

شرکت ایرانیان در انقلاب اکتبر

و.ن. پلاستون



تفاوت طبقاتی در میان مهاجران ایرانی به طور واضح مشاهده می‌شد. مبارزه گروه‌های سیاسی، در بسیاری از موارد، به برخوردهای مسلحانه و به قتل فعالین «حزب عدالت» به دست ضد انقلابیون می‌انجامید. مثلاً این خبر به امضای آ. یوسف، عضو کمیته موقت انقلابی، در روزنامه‌ی باکو چاپ شد: «در شب بین ۴ و ۵ فوریه در دو راهی قیشلی، قربان صادق زاده عضو کمیته محلی حزب سوسیال دموکرات ایران (عدالت) به طور وحشیانه‌ای به قتل رسید. قتل رفیقمان به دست مرتجعین با تصمیم اخیر شورای کارگران مهاجر ایرانی (رفیق صادق زاده یکی از فعالین این شورا بود) درباری نحوی کار کنسول‌گری‌ها - که تنها به امور تجار محترم پرداخته و به سرنوشت کارگران و کشته شدن صدها تن از آنان بی‌اعتنا می‌باشد - به یک هیات ۳۸ نفری منتخب شورا واگذار شود، بود. ما از همی اتباع ایرانی دعوت می‌کنیم که طبق تصمیم کمیته انقلابی موقت برای احترام به خاطری این رفیق که در حین مأموریت جان خود را از دست داده است، دست از کار بکشند. ای ستم دیدگان، ای دوست داران آزادی و برابری، تا بدین وسیله به همی دشمنان جنایت کار و قاتل ملت ثابت شود که هیچ نیرویی قادر نیست حرکت آزادی بخش مردم را متوقف کند.»

سازمان‌های «حزب عدالت»، تحت رهبری حزب کمونیست روسیه (بلشویک) در تمامی اقدامات سیاسی بلشویک‌ها شرکت می‌جستند. ای. میکریان می‌نویسد: «از همان سال ۱۹۱۸، آقایی (یکی از رهبران «عدالت»، و.پ) و سازمان‌های او با ما هم کاری داشتند.»

در ۲۷ ژوئیه ۱۹۱۸، هنگامی که نیروهای ترکیه به باکو حمله ور شدند، «حزب عدالت» و کمیته مرکزی «همت» تصمیم گرفتند که اعضای

کردند. افزایش مزد و بهبود شرایط مسکن و معاش از جمله خواست‌های مطروحه بود.

در سال ۱۹۱۶ در باکو، کارگران ایرانی با شرکت مستقیم بلشویک‌های محلی، سازمان سوسیال دموکرات «عدالت» را تشکیل دادند. «عدالت» که در آغاز یک گروه سوسیال دموکرات بود، در کنفرانس موسسان که در سال ۱۹۱۷ در شهر باکو تشکیل شد، شکل حزب به خود گرفت. این کنفرانس، برنامه‌ی حزب را به تصویب رسانده، کمیته مرکزی را که آ. غفارزاده، م. لطفی، علیخانف، م. بابا و دیگران بودند، انتخاب کرد. آ. غفارزاده که به دبیری حزب انتخاب شده بود، در عین حال سردبیری روزنامه‌ی هفتگی ارگان حزب به نام «عدالت» را به عهده داشت. این روزنامه به زبان‌های فارسی و آذربایجانی منتشر می‌شد.

در باکو و حوالی آن، حوزه‌های حزبی و میتینگ‌ها و تظاهرات سازمان داده می‌شد. و فعالیت حزبی در دو جهت انجام می‌گرفت:

- ۱- بسیج مهاجران ایرانی برای مبارزه به خاطر استقرار حکومت شوروی در آذربایجان؛
- ۲- بسط و توسعه‌ی تهییج و تبلیغ در ایران؛

فعالیت «حزب عدالت» در باکو در رابطه‌ی نزدیک با کمیته‌ی حزب کمونیست روسیه (بلشویک) در شهر باکو انجام می‌گرفت. سازمان‌های دیگر - «حزب دموکرات ایران» و «حزب استقلال ایران» - نیز در باکو فعالیت می‌کردند. تجار، مغازه داران، کارکنان کنسول‌گری‌های ایران در باکو، پتروسکف، دربند، و شهرهای ماورای قفقاز، عضو این سازمان‌ها بودند. حتا گرگانی، نویسنده‌ی ایرانی که دارای گرایش‌های بورژوازی است، می‌نویسد: در مقایسه با این دو حزب ضعیف که عده‌ی قلیلی عضو داشتند، حزب عدالت موقعیت ممتاز و برجسته‌ای داشت.

مهاجرت توده‌ی عظیم دهقانان و پیشه‌وران ایرانی ساقط از هستی به روسیه، از همان اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم آغاز شده بود. در طی سال‌های متوالی، ده‌ها هزار نفر از مرز ایران و روسیه رد می‌شدند. در برخی از سال‌ها، تعداد مهاجرین ایرانی از دویست هزار نیز می‌گذشت. کارگران ایرانی به مناسبت تسلیم در برابر شرایط تحمیلی صاحبان موسسات صنعتی، فعالیت سندیگاه‌های محلی را بسیار دشوار کردند. بلشویک‌ها برای فعالیت در میان کارگران محلی، نسبت به کارگران مهاجر ایرانی توجه خاصی داشتند. به این مناسبت، در سال ۱۹۰۵، در شهر باکو در کنار سازمان سوسیال دموکرات «همت»، که در میان ساکنان محلی مسلمان تبلیغ می‌کرد، حوزه‌ی سوسیال دموکرات ایران به نام «اجتماعیون عامیون» (مجاهد) نیز سازمان یافت.

بدین ترتیب، سنت پا بر جای مبارزه‌ی مشترک انقلابی ملت‌های ایران و روسیه پایه گذاری شد. اگر چه در سال‌های عقب نشینی موقت انقلاب، نخستین گروه‌های سوسیالیستی ایرانی تقریباً متوقف شدند، ولی شرایط عینی ادامه‌ی مبارزه و فعالیت آنان به قوت خود باقی ماند. کار مداوم سیاسی و سازمان دهی بلشویک‌های باکو و عناصر پیشروی ایرانی در میان کارگران مهاجر به تدریج به ثمر می‌رسید.

در سال‌های جنگ اول جهانی، تعداد اعتصابات که کارگران ایرانی در آن‌ها با خواست‌های مشخص خود شرکت می‌کردند، افزایش یافت. تنها در ماه مه ۱۹۱۴، «باربران» ایرانی بندر، هم راه کارگران دستگاه‌های حفاری، دو بار دست به اعتصاب زدند. در این دو اعتصاب، بیش از دو هزار نفر شرکت داشتند. اعتصاب کنندگان خواست‌های خود را در مقابل پیمان کاران مطرح

خود را در گروه های مسلح کارگری برای دفاع از شهر بسیج کنند. پس از تسخیر شهر به وسیله نیروهای اشغال گر، بیش از نیمی از اعضای کمیته مرکزی «عدالت» توقیف و به قتل رسیدند. رئیس حزب، غفارزاده، که کمیته مرکزی او را برای سازمان دادن و برقراری ارتباط با چریکها به گیلان فرستاده بود، توسط ضد انقلابیون به قتل رسید.

پس از آن که در آغاز نوامبر ۱۹۱۸، نیروهای ترکیه مناطق آذربایجان را تخلیه کردند، باکو در تاریخ ۱۷ نوامبر توسط نیروهای انگلیسی اشغال شد. دولت ارتجاعی آذربایجان، که قوای انگلستان را به باکو فرا خوانده بود، سعی داشت تا به هر وسیله از فعالیت سازمانهای بلشویکی جلوگیری کند. اما کمیته حزب کمونیست روسیه (بلشویک)، «همت» و «عدالت» مخفیانه به فعالیت خود ادامه می دادند. در ماه مارس ۱۹۱۹، هنگامی که مساواتیها در باکو حکومت می کردند، کنفرانس «عدالت» مخفیانه در باکو برقرار شد و کمیته مرکزی جدیدی را انتخاب کرد. در تشکیل این کنفرانس، فعالینی که از درون مهاجرین برخاسته بودند، نقش بسیار مهمی ایفا کردند. آ. ای. میکویان می نویسد: از رهبران عدالت من سه نفر از کارگران با استعداد را به خوبی به یاد دارم (مقصود برادران آقازاده هستند. و پ. این برادران با آن که دارای تحصیلات نبودند، به طور طبیعی خواص رهبران قابل را داشتند. آنان

از تجربی سیاسی برخوردار و با تمام وجود به کمونیسم وفادار و باید بگویم که با تعصب بیش از اندازه به افکار حزب پایبند بودند. آنان در تمام جلسات شرکت می جستند و با کمونیستها هم کاری می کردند.

رهبران «عدالت» در کنفرانس حزب کمونیست آذربایجان که در ماه مارس ۱۹۱۹ در باکو برگزار شد، شرکت جستند. در ملاقات نمایندگان بلشویک باکو (کمیته ح. ک. ر. «بلشویک»، «همت» و «عدالت») بهرام آقازاده سخن رانی کرد. او خطاب به نمایندگان گفت، که کارگران ایرانی از تمامی اقدامات کمیته بلشویک حمایت کرده و با کارگران روس و ارمنی خواهند بود.

در همین موقع، رابطه «حزب عدالت» با انترناسیونال کمونیست برقرار شد. حسین اف، نماینده «حزب کمونیست ایران» (بخش مرکزی ملل شرق)، در نخستین کنگره کمینترن شرکت جست.

در جریان سال ۱۹۱۹، فعالین «حزب عدالت» با بلشویکها از نزدیک هم کاری داشتند. در جلسه کنفرانس کارگری باکو، که در چهارم مه ۱۹۱۹ تشکیل شد، آقازاده به عضویت هیات مدیره کنفرانس انتخاب شد. او پس از چند روز هم راه گروه کمونیستهای مسلح به صفوف ارتش سرخ مغان پیوست. این گروه بعدها به تصمیم کمیته مرکزی «حزب عدالت» مامور شد، که برای کمک به گیلان برود. ولی در ژوئیه ۱۹۱۹، جمهوری مغان سرکوب شد و تنها عدهی قلیلی از کمونیستهای ایران موفق شدند که به باکو بازگردند.

در نخستین کنگره حزب کمونیست آذربایجان، که در روزهای ۱۱ و ۱۲ فوریه ۱۹۲۰ برقرار شد، ده نماینده از «حزب عدالت» شرکت داشتند. کامران آقازاده (یکی از برادران آقازاده) به عضویت حزب کمونیست آذربایجان (بلشویک)



انتخاب شد. کنگره دربارهی یکی شدن و ورود همه سازمانهای کمونیستی آذربایجان به حزب کمونیست آذربایجان (بلشویک) تصمیم گرفت. اما «حزب عدالت»، به ویژه حوزه های پایین آن، تا اواسط سال ۱۹۲۰ هم چون سازمانهای مستقل کمونیستهای ایران باقی ماندند.

عدهای از کمونیستهای ایرانی، هنگام اشغال باکو توسط نیروهای ترکیه، هم راه بلشویکها به آستراخان رفتند. بنا به تصمیم این سازمان، «حوزهی کمونیستهای ایرانی» مرکب از ۱۸ نفر تشکیل شد. اعضای «عدالت» در فعالیتهای تبلیغاتی و تهیهی شرکت می جستند و به عنوان مبلغ به دایره های سیاسی ارتش سرخ - که در آن انترناسیونالهای ایرانی بودند - فرستاده می شدند. در تاریخ دوم ژانویه ۱۹۱۹، «نخستین کنگرهی اتباع و اسیران جنگی ترکیه» برای به وجود آوردن حوزهی کمونیستی (ترکیه) تشکیل شد. در این کنگره، ۱۴ تن از نمایندگان

کمونیستهای ایران و قفقاز شرکت جستند. در دومین جلسهی کنگره به پیشنهاد نریمان نریمانوف تصمیم گرفته شد، که برای تشکیل کلاسهای تبلیغ و بسیج و انتشار روزنامهی ارگان اسرای ترک با هم کاری حوزهی ایرانیان اقدام شود. این کلاسها می بایست مبلغین ترک و ایرانی را آماده سازد، که نخست به قفقاز و سپس به ترکیه و ایران فرستاده شوند. کمونیستهای ایرانی به پخش افکار مارکسیستی در میان زحمت کشان ترکیه نیز کمک می کردند. «کمیتهی عدالت» در ژانویه ۱۹۲۰، سلطان زاده، علی خانف، و فتح علیزاده را که از فعالین آن سازمان بودند، به تاشکند فرستاد. اینان پس از تشکیل «کمیتهی تشکیلاتی عدالت»، به تبلیغ و بسیج ایرانیان مهاجر در ترکستان مشغول شدند. در سیام ژانویه ۱۹۲۰، کمیتهی تشکیلاتی، بیانیهی «حزب کمونیست ایران» (عدالت)، را خطاب به زحمت کشان ایران منتشر کرد. در

بیانیه گفته شده بود: حزب کمونیست ایران (عدالت)، پرچم مبارزی قاطعانه علیه همی دشمنان زحمت کشان ایران را برافراشته است. انقلاب اکتبر روسیه، امکانات و افق تازه ای را در برابر ما گشوده است. حزب کمونیست ایران با کمک کارگران و دهقانان روس که دوستان واقعی زحمت کشان ایران هستند، با دشمنان زحمت کشان تا آخرین قطرهی خون مبارزه خواهد کرد. رفقای کارگر و دهقان ایران، برای آزادی توده های ستم کش و اسیر ایران از دست ستم گران خارجی،

زیر پرچم مبارزی انقلابی متحد شوید. مرگ بر غارت گران خارجی! زنده باد ایران آزاد! زنده باد حزب کمونیست ایران (عدالت)!

در سالهای ۱۹۱۹-۱۹۲۰ در سازمان دادن و آماده کردن کادرهای حزبی، حیدر عمو اوغلی (تاری وردیف)، انقلابی حرفه ای ایران، نقش بسیار مهمی داشت.

ترکستان که از هیات اجرائیهی شوروی تشکیل شده بود، نماینده داشت. عالی ترین مرجع شورای بین المللی، تبلیغات پلنوم بود و «حزب عدالت» در آن دو نماینده داشت. حزب، جلسات، میتینگها، سخن رانی، و کنفرانسهایی تشکیل می داد و نمایندگان خود را به سمرقند، عشق آباد، مرکوشک، کراسنودسک، و شهرهای دیگر می فرستاد تا عناصر پیشروی مهاجرین را به خود جلب کنند.

نخستین کنفرانس ایالتی «حزب عدالت»، به نمایندگی از طرف ۵۶۳۰ عضو حزب، در تاریخ

بیستم مارس ۱۹۲۰ تشکیل شد. و لنین به ریاست افتخاری این کنفرانس انتخاب شد. کنفرانس درباره‌ی گزارش سلطان زاده زیر عنوان «دولت، شاه و دورنمای انقلاب اجتماعی در ایران»، درباره‌ی مسأله‌ی جنگ و گزارش علی خانوف «تاکتیک ما در ایران» بحث کرده، تزه‌های مربوطه را به تصویب رساند. در تزه‌هایی که از گزارش علی خانوف تصویب شد، وضع اجتماعی و اقتصادی ایران به طور خلاصه تشریح شده، و به ویژگی‌های فعالیت حزبی در میان مردم اشاره شده بود. از جمله، کنفرانس مسأله‌ی عضویت افراد را مطرح و مقرر کرد، که پذیرش افراد باید با هوشیاری بیشتری به کار رود، تا از عضویت افرادی که ممکن است با خط مشی سیاسی میانه روی خود خط مشی قاطعانه حزب را متزلزل کنند، جلوگیری شود. کنفرانس هم چنین تاکید کرد، که برعکس کشورهای پیشرفته‌ی سرمایه داری که طبقه‌ی کارگر آن متشکل بوده است و بنابراین احزاب کمونیست قادرند مستقل عمل نمایند، «حزب عدالت» باید در شرایط ایران، تمام کسانی را که به خاطر وضع اقتصادی خود در براندازی الیگارش‌اری (مالکین بزرگ) ذینفع می‌باشند، به سوی خود جلب کند.

در تزه‌ها آمده بود، که حزب باید در مبارزه علیه اشغال انگلستان و استبداد شاه از همه‌ی عناصر چپ ایران، تا زمانی که فعالیت آنان با منافع کارگران و دهقانان تضاد پیدا نکرده، به آنان مدد برساند. در این تز به این نکته که از چگونه‌ی عناصری باید استفاده شود، اشاره‌ی مشخص نشده است. از تقسیم بورژوازی به بورژوازی ملی طرف دار استقلال و بورژوازی کمپرادور که در تحکیم امپریالیسم بیگانه در کشور است، سخنی نیست. تاکید بر این مسأله که ایران دارای تعداد زیادی کارگران پرولتری صاحب سطح آگاهی نسبتاً بالایی است نیز اشتباه بود. چنین به نظر می‌رسد، که نویسندگان تزه‌ها، بیش‌تر مهاجرین ایرانی را در نظر داشتند. هم چنین مسأله‌ی پر اهمیت درجه‌ی انکشاف اجتماعی و اقتصادی و وضعیت سیاسی ایران، که با روسیه کاملاً متفاوت بود، در نظر گرفته نشده بود. تجربه‌ای که از روسیه به دست آمده بود، نمی‌توانست کورکورانه در ایران نیمه فئودال (کذا) به اجرا در آید.

یکی از روزنامه‌های تاشکند درباره‌ی او نوشت: «نماینده‌ی کمونیست‌های ایران، عضو انترناسیونال سوم و شورای مسکو، شخصی که در محافل سیاسی به رجب بمبی، معروف است و در انقلاب مشروطه‌ی ایران سال‌های ۱۹۱۱-۱۹۰۸

و سونگونی شاه نقش مهمی ایفا کرده، در حال حاضر در تاشکند است.»

رجب بمبی در مسجد ایرانیان در سخن رانی خود به اهمیت حکومت شوروی در مبارزه در احقاق حقوق ستم دیدگان اشاره کرده، از مردم خواست که برای کمک به حکومت شوروی و آزادی کارگران و دهقانان ایرانی به مبارزه برخیزند. سخن گو حضار را به عضویت در «حزب عدالت» - بیان‌کننده‌ی اراده‌ی زحمت‌کشان ایران - فرا خواند. پس از سخن رانی حیدر، ۴۵ نفر در حزب نام نویسی کردند.

«سازمان عدالت»، که در آذربایجان شمالی و ترکستان فعالیت داشت، تا ژوئن ۱۹۲۰، در رابطه‌ی نزدیک با سازمان‌های محلی حزب کمونیست روسیه (بلشویک) کار می‌کرد. به افراد فعال «حزب عدالت»، که در ترکستان فعالیت می‌کردند، دستور داده شده بود که در تمام مسایل مربوط به فعالیت حزبی، اساس نامی حزب کمونیست روسیه (بلشویک) را ملاک عمل خود قرار دهند. در این سند قویاً توصیه شده بود، که باید همه‌ی کوشش ممکن به کار رود، تا فعالیت حزبی در یگانگی کامل با سازمان‌های حزب کمونیست روسیه انجام گیرد: زیرا بین «سازمان عدالت» و حزب کمونیست روسیه اختلاف اساسی یا برنامه‌ای نمی‌تواند داشته باشد و ندارد. اعضای «عدالت» بایست در جلسات محلی حزب کمونیست روسیه (بلشویک) و اقدامات آن - که توسط سازمان‌های دولتی و حزبی شوروی انجام می‌شد - شرکت جویند.

یکی از ویژگی‌های سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۱۹، پیدایش تعداد زیادی شوراهای اتباع ایرانی است. این شوراها، ایرانیان را در مقیاس شهرها متحد می‌ساختند. چنین شوراهایی در تاشکند، اورنبرگ، سمرقند، مسکو و ساراتف وجود داشت. رهبری شورای ترکستان را تجار ایرانی در دست گرفته بودند. «کمیته‌ی ایالتی عدالت» از کمیسیون ترکستان خواست، که شوراهای اتباع ایرانی در ترکستان بسته شود؛ زیرا این شوراها نه تنها برای کارگران کاری انجام نمی‌دهند، بلکه در دست بورژواهای ایرانی به آلت سوء استفاده و پیش برد سیاست آنگلو فیل در میان کارگران تبدیل شده است.

اما بخشی از شوراها زیر نفوذ کمونیست‌های ایرانی بود. کمونیست‌ها فقیرترین اقشار مهاجر ایرانی را در این شهرها متحد کرده، در داخل شوراها حوزه‌های کمونیستی به وجود می‌آوردند. کمونیست‌های ایران با دفتر (بورو) مرکزی سازمان‌های کمونیست‌های مشرق، که در دسامبر

۱۹۱۸ در مسکو تشکیل شده، بود فعالانه هم کاری می‌کردند.

این دفتر توانست، در مدت کوتاهی، از ژانویه ۱۹۱۹ تا دسامبر ۱۹۱۸، به کمک کمونیست‌های ایران تعداد زیادی بیانیه و جزوه برای پخش در ایران و در میان مهاجرین نشر دهد. خطاب به زحمت‌کشان مسلمان روسیه و شرق به زبان فارسی در بیش از صد هزار نسخه منتشر شد. در ماه‌های بعد، جزوه‌های: الغای صلح برست، تزار، کشیش، و کولاک قانون اساسی جمهوری فدراتیو سوسیالیستی شوروی روسیه به زبان فارسی منتشر شدند. دفتر مرکزی تعداد زیادی بیانیه و جزوه نیز به زبان آذربایجانی منتشر کرد. اعضای «عدالت» جزوه خطاب به جوانان زحمت‌کش مشرق را به زبان فارسی نشر دادند. در سال ۱۹۱۹، در مسکو علاوه بر «سازمان کمونیست عدالت»، حوزه‌ی «حزب اجتماعیون عامیون» (سوسیال دمکرات) نیز به رهبری حیدرخان فعالیت می‌کرد. اعضای این سازمان در تاریخ دهم آوریل ۱۹۱۹، با شرکت نمایندگان گروه‌های کمونیست سامارا، آستراخان، و کارگران راه آهن بریانسک و نمایندگان انترناسیونالیست‌های ایرانی در ارتش سرخ و نمایندگان شورای اتباع ایران در مسکو میتینگی در مسکو برپا داشتند. حیدرخان، در سخن رانی خود، حمله به نمایندگی شوروی را شدیداً محکوم کرد. او اعلام داشت، که ایرانیان مقیم روسیه شوروی از هر دسته‌ای که باشند (سوسیالیست یا بورژوا)، در برابر این عمل نمی‌توانند سکوت اختیار کنند. او گفت: روسیه شوروی، تنها امید ایرانیان نشان داده است که آزادی، زندگی نو و رهایی از زنجیرهای غارت‌گران خارجی را برای شرق به ارمغان می‌آورد.

در پایان میتینگ به پیشنهاد حیدرخان قطع‌نامه‌ی آماده شده از طرف حوزه‌ی «حزب اجتماعیون عامیون» به تصویب رسید. در این قطع‌نامه آمده است که: ایرانیان مقیم روسیه شوروی را چنان مرکزی می‌دانند که ایرانیان، صرف نظر از اختلافات مسلکی، باید در مبارزه‌ی خود علیه ستم‌گران خارجی و داخلی از آن سرمشق و نیرو بگیرند. و به همین مناسبت، ایرانیان را صرف نظر از تعلق به طبقات و احزاب مختلف، به شرکت و مبارزه دعوت می‌کنند. مبارزه‌ای که سازمان‌های انقلابی در داخل ایران، با وجود ترور آغاز کرده‌اند.

لازم به تذکر است که «حزب اجتماعیون عامیون» هم از زمان انقلاب مشروطه، ۱۹۰۱-۱۹۰۵، از تاکتیک ترور فردی به مقیاس وسیع استفاده می‌کرد. حیدرخان در سخن رانی خود از فعالیت

«کمیته‌ی مجازات»، که در سال ۱۹۱۸ در مدت ۱۸ روز عملیات تروریستی علیه محافل ارتجاعی ایرانی انجام داده بود، پشتیبانی کرد. حیدرخان گفت که این سازمان، ارگان اجرایی «حزب اجتماع‌یون عامیون» بود. موضع حیدرخان در این مساله قانه کننده به نظر نمی‌آید. حوزه‌های کمونیست‌های ایران در شهرهای اودسا، کیف، رستف، رودی دن و ولادی قفقاز وجود داشت. در فوریه ۱۹۱۹، تحت نظر کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست اوکرایین، گروه مسلمان «همت» در آن منطقه مستقر شد. این گروه میان کارگران ایرانی و آذربایجانی معادن ذغال سنگ تبلیغ و فعالیت می‌کرد. در سال ۱۹۲۰، دفتر (بورو) مرکزی سازمان‌های کمونیستی ملل شرق و دفتر جلب کارگران مهاجر به شهرهای خارکف، پلناو، رمننا، کرم‌نچوک، آزماویر، گروزنی، عشق آباد، پتروگراد، مسکو، و دیگر شهرها فرستادند. گروه‌های مسلح انترناسیونالیست‌های کارگران مهاجر ایرانی در جنگ‌های ترکستان قفقاز، سواحل ولگا روسیه مرکزی - که به خاطر استقرار حکومت شوروی درگیر می‌شد - فعالانه شرکت می‌جستند. قلیق اوغلی، کارگر ایرانی عضو حزب کمونیست روسیه (بلشویک)، به

هنگام شورش ضد انقلابیون در کوکند، از کارگران فقیر شهر گروه مسلحی تشکیل داد و مدت شانزده روز از قلعه آن شهر دفاع کرد. گروهی از کمونیست‌های ایرانی به رهبری بهرام آقازاده، عضو «کمیته‌ی مرکزی عدالت»، در گروه مسلح معروف به «گروه پولادین» (در ماوراء قفقاز علیه دنکین می‌جنگید. گروه انترناسیونالیستی ایرانیان و گروه سوار نظام ایرانیان در جبهه‌ی ترکستان بر ضد اشغال‌گران انگلیسی و باسچی‌ها می‌جنگیدند. حیدرخان در نامه‌ی دوازدهم فوریه ۱۹۲۰ به دفتر (بورو) مرکزی سازمان‌های کمونیستی ملل شرق نوشته است، که او هنگام اقامتش در سامارا با فروزیه درباری تشکیل هنگ ایرانیان در ترکستان صحبت کرده بود. این هنگ می‌بایست به قسمت‌های منظم ارتش سرخ در مبارزه با اشغال‌گران و ضد انقلاب مدد برساند. بنا بر گفته‌ی حیدرخان، فروزیه با تشکیل گروه‌های انترناسیونالیستی ایرانیان موافقت کامل نشان داده بود. در تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۲۰، بنا بر دستور شماره‌ی ۱۸۷ جبهه‌ی ترکستان، گروه مسلح انترناسیونالیست‌های ایران تشکیل شد. هدایت امین بیگی، دبیر حوزه‌ی «حزب کمونیست ایران»

و شرکت کننده در انقلاب کبیر اکتبر در پتروگراد، در جنگ با گاردهای سفید در آسترخان با قهرمانی جان سپرد. کمیته‌ی ایالتی حزب کمونیست روسیه (بلشویک) در قفقاز، به مناسبت خدمات ویژه‌ی امین بیگی به انقلاب تصمیم گرفت که برای خانواده‌ی او مستمری مقرر شود. بدین ترتیب عناصر پیشروی پرولتاریای ایران در روسیه، سهم خود را در دفاع از دست آوردهای اکتبر ادا کرده، طی این سال‌ها، به کمک برادران طبقاتی روس خود، سازمان سیاسی طبقاتی ویژه‌ی خویش، یعنی «حزب کمونیست ایران» (عدالت) را به وجود آوردند. این حزب در مبارزه‌ی آزادی بخش ملی سال‌های ۱۹۲۱-۱۹۲۰ نقش مهمی را بازی کرد. توده‌های کارگران مهاجر و آگاه‌ترین عناصر طبقه‌ی کارگر ایران، که تازه در حال شکل گرفتن بود، بعدها هسته‌های گروه مسلح جنبش آزادی بخش ملی را، که در سال‌های ۱۹۲۱-۱۹۲۰ در گیلان تکامل یافت، تشکیل دادند. کارگران مهاجر، داوطلبانه کار خود را در کارخانجات روسیه رها کرده، گروه‌های مسلح تشکیل دادند و برای آزادی وطن اسیر خود به جنبش گیلان پیوستند.

ادامه‌ی «طبقه‌ی کارگر و تحولات اجتماعی»

انگشت تاکید گذاشت. ایجاد یک هیات موسس، از طریق آشنایی و هم‌کاری تعدادی از فعالین کارگری، یک تجربه‌ی جنبش کارگری در دوره‌هایی از تاریخ حیات آن (هیات موسس تشکل کارگران چاپ خانه‌ها و...) بوده است. مبارزه‌ی ضد سرمایه داری کارگران در شرایط امروز ایران شاید بر این تجربه متکی شود؛ شاید هم به این تجربه برسد، که بدو ایجاد نمونه‌هایی از چنین تشکلی در مراکز مختلف کار و سپس مرتبط کردن و پیوند زدن آن‌ها در یک تشکل واحد و سراسری، امری طبیعی‌تر و مطلوب‌تر از ایجاد یک «هیات موسس» به همین منظور است. نکته‌ی مهم اما آن است، که حتی در صورت اول هم «هیات موسس» یک تشکل ضد سرمایه داری کارگری، ابتدا به ساکن و به طور اختیاری به وجود نمی‌آید. و اگر هم بیاید، نمی‌تواند سمپاتی و حمایت گسترده و سراسری کارگران را جلب کند. به ویژه که شرایط خفقان خونین جمهوری اسلامی و سرکوب و وحشیانه و مستمر مبارزات کارگری، از شناخته شدن وسیع فعالین جنبش کارگری جلوگیری کرده است. امری که طبیعتاً

هوشیاری خود فعالین جنبش کارگری هم نقش بسزایی در آن داشته است. در غیر این صورت، در این سال‌های دور و نزدیک با بروز هر مبارزه‌ی کارگری، می‌بایست شاهد دستگیری و شکنجه و اعدام ده‌ها و صدها فعال جنبش کارگری هم می‌شدیم. در هر حال، ممکن است «هیات موسس» شکل مناسبی برای ایجاد و اعلام علنی تشکل ضد سرمایه داری کارگران باشد، اما چنین نهادی تنها می‌تواند در متن شرایط ارتقای مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر، در شرایطی که چرخش مبارزه‌ی کارگران از تدافعی به تعرضی قابل مشاهده می‌شود، در شرایطی که توازن نیرو در جامعه به سود طبقه‌ی کارگر و زیان بورژوازی تغییر می‌کند، و در شرایطی که به اعتبار همه‌ی این‌ها، فعالین جنبش کارگری پا به پیش صحنه‌ی جامعه می‌گذارند و قابل مشاهده می‌شوند، مورد حمایت بخش قابل توجهی از نه فقط طبقه‌ی کارگر، که کل توده‌ی مردم محروم، قرار گیرد؛ زیرا که وثوق و اعتماد کارگران و مردم محروم را از دل فراز و نشیب‌های

مبارزه‌ای سخت و مستمر به دست آورده است. طبقه‌ی کارگر در ایران، بار دیگر بر آستانه‌ی یک نبرد تعیین کننده‌ی طبقاتی ایستاده است. تاریخ نشان خواهد داد، که این بار آیا طبقه‌ی کارگر خودآگاه و هم‌بسته، نقش خود در رهایی جامعه از نکبت و مشقت بردگی مزدی و استثمار سرمایه داری را ایفا خواهد کرد و جامعه‌ی انسان‌های آزاد و برابر را بنیان خواهد گذاشت یا نه؟! مبارزه‌ی ضد سرمایه داری طبقه‌ی کارگر در این سال‌های دراز، ماتریال و پیش زمینه‌های مناسب این تحول اجتماعی را فراهم آورده است. تجربه‌ی مبارزات کارگران در چیت سازی بهشهر، در پتروشیمی اراک، و در گوشه و کنار مراکز کار در ایران، تنها برگه‌هایی از تاریخ این تحول اجتماعی هستند.

دسامبر ۲۰۰۳

